

تبیین فقهی نقش دعا در تربیت فرزندان

ابوالفضل رضی نتاج^۱

چکیده

در منابع و معارف اسلامی اثبات اصل دعا و استحباب مؤکد آن، ادله فراوانی دارد. خداوند متعال در قران کریم، از یک سو ادعیه مختلفی از انبیاء و صالحین و مومنین نقل کرده (که این مسئله می‌تواند نشان از مطلوبیت دعا باشد) و از سوی دیگر دستور به دعا با کیفیت‌های مختلف داده است و حتی دعا را از ویژگی‌های عبادالرحمن برشمرده. اگرچه در مورد نقش دعا و علی‌الخصوص در مورد نقش دعا در تربیت، پژوهش‌هایی انجام شده اما در این تحقیق، با روش تحلیلی و توصیفی و به شیوه استنباط اجتهادی، به طور خاص حکم فقهی دعا برای تربیت فرزند و جزئیات آن مد نظر قرار گرفته است. دعا برای فرزند از جمله روش‌های تربیت اسلامی، زمینه ساز تحقق سعادت فرزند و دوری وی از سوء عاقبت محسوب می‌شود. این امر در شریعت اسلام از استحباب بالایی برخوردار است. البته دعا شیوه‌های مختلفی دارد که برخی از آنها مورد نهی قرار گرفته. آیات حاکیه، آیات آمره، روایات آمره، روایات حاکیه، ادعیه مأثوره از جمله منابعی هستند که برای تبیین فقهی این مسئله به کار می‌آیند.

واژگان کلیدی: تربیت فرزند، استجاب دعا در حق فرزند، نقش دعا در

تربیت، حکم فقهی دعا، ادله فقهی

^۱. مدیر گروه فقه تربیت مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام.



تربیت فرزند از روز اول خلقت از دغدغه‌های مهم انسان بوده که برای تحقق آن و رساندن فرزند به سعادت ابدی به ابزارهای گوناگونی متوسل شده می‌شود. گاهی به سراغ رسولان الهی می‌رود، گاهی از معلمینی که سبقه فلسفه و عرفان داشته‌اند بهره می‌گیرد، و گاهی نیز از پیش خود تجربه‌هایی را بکار می‌بندد.

هرگاه از طریق این امور به مقصود خویش نرسد، با اضطراب به درگاه الهی می‌رود تا از او مدد بجوید و با دعا برای سعادت فرزندانش اسباب سعادت وزمینه‌های صلاح و سداد آنها را فراهم کند. با این توضیح دعا یک برنامه تربیتی است که در شکل مختلف بکار گرفته می‌شود. دعا اختصاصی به بندگان صالح خدا ندارد حتی مشکران هم گاهی به اصنام و بت‌ها متوسل می‌شدند تا جوانانشان که به ظاهر گمراه شدند (و دین جدید اختیار کرده‌اند) عاقبت به خیر شوند.

تبیین فقهی نقش دعا
در تربیت فرزندان

دعا، از راه‌های مناجات و ارتباط با خداست که در برخی از موارد از مصادیق پرستش و عبودیت نیز معرفی شده است. دعا آینه ابراز فقر و عجز بنده در برابر خداوند قادر حکیم است. هر جا که انسان نسبت به دسترسی به مسببی از مسببات یا سببی از اسباب احساس فقر و عجز کند خود را به درگاه خداوند متعال می‌رساند و با راز و نیاز خود، از خالق توانمند هستی استمداد می‌کند. اگر چه در همه موارد دعا مطلوب است اما اوج دعا و انابه و ناله در جایبست که احساس فقر و عجز در وجود انسان شعله‌ور باشد.

نمونه‌های فراوانی در قرآن کریم و روایات پیامبر گرامی اهل بیت علیهم صلوات الله وجود دارد که مطلوبیت این امر و استغاثه برای سعادت فرزند را سفارش و آن را از امور مطلوبی که والدین هرآینه باید مد نظر قرار دهند، شمرده اند.

در مورد ارتباط و نقش دعا در امر تربیت پژوهش‌های متعددی انجام شده. از جمله آنها مقاله ایست با عنوان «نقش دعا در تربیت اخلاقی و عملی کودک از منظر قرآن مجید» که به بررسی نقش دعا در تربیت اخلاقی و عملی کودک از منظر قرآن مجید و چگونگی استفاده از ملزومات آن در سیستم تربیت دینی فرزندان پرداخته است.



شماره چهار
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

همچنین تالیف دیگری انجام شده با عنوان «بررسی فقهی دعای والدین برای فرزندان قبل از تولد (به مثابه یک روش تربیتی)» که در آن نویسنده تبیین می‌کند که دعای والدین برای فرزندان قبل از تولد آن‌ها از احکام استحبابی و اخلاقی اسلام است که برای اثبات آن می‌توان از ادله متعدد عقلی و نقلی استفاده کرد.

علیرغم این پژوهش‌ها، نگارنده مسئله‌ی دیگری را دنبال می‌کند تا از یک طرف نقش فقهی دعای والدین را تبیین نموده و از جهت دیگر دعا را به عنوان یک عمل تربیتی والدین برای قبل و بعد از تولد بررسی کند. بر این اساس در نوشته حاضر، نقش و جایگاه دعا در امر تربیت با محور احکام فقهی بررسی می‌شود.

معنا شناسی دعا

در مورد معنای دعا در کتب لغت مطالب مختلفی ذکر شده است؛ لسان العرب، دعا را به معنای استغاثه و طلب رحمت از خداوند می‌داند (ابن منظور. ۱۴۱۴. ج ۱۴،

۲۵۷). فیومی معنای دعا را ابتهال به سوی خداوند از طریق مسئلت کردن و رغبت داشتن به آنچه در نزد خداوند است، می‌داند. (فیومی. احمد ۷۷۰ ه.ق. ج ۲، ۱۹۴)

مرحوم مصطفوی در التحقیق جمع‌بندی مناسبی نسبت به معنای این واژه ارائه کرده است؛ «دعا طلب و خواستن چیزی برای جلب توجه یا برای ایجاد ترغیب یا برای کشاندن به سمت خود است. که البته در هر موردی به گونه ای تحقق پیدا می‌کند». (مصطفوی. حسن. ۱۴۰۲ ه.ق. ج ۳ ص ۲۱۶)؛ در همین باره ایشان می‌افزاید «دعا در هر موردی لوازمی هم دارد از قبیل استغاثه، رغبت، ابتهال و از این قبیل». (همان).

برای تشریح بیشتر معنای دعا می‌توان چنین گفت که دعا درخواست انجام کاری از کسی به صورت جمله امر و نهی یا در قالب جمله خبری، (مانند غَفَرَ اللَّهُ لَک) است. بین دعا و امر نقطه اشتراک وجود دارد و آن این است که هر دو درخواست هستند، اما فرق دعا با امر در مخاطب است؛ مخاطب دعا رتبه بالاتری از دعا کننده دارد و مخاطب امر، فروتر است.

واژه دعا و مشتقات آن ۲۱۵ بار در قرآن در معنای فراخواندن و دعوت به امری، پرستش و عبادت، درخواست چیزی از خدا، سخن و ادعا و موارد دیگر بکار رفته است. منظور از دعا در این پژوهش، درخواست والدین از خداوند است که به بهانه مختلف و با شکل‌های گوناگون صورت می‌گیرد؛ دعا برای اصلاح امور فرزندان، دعا برای عاقبت به خیری او، دعا برای در امان ماندن فرزند از شر شیطان و نیز دعا برای تقویت ابعاد وجودی و ساحات مختلف فرزند که در سعادت او موثر هستند

مانند تقویت حافظه، سلامت جسم، زندگی سالم و مواردی از این قبیل، همه و همه از مصادیق دعا برای تربیت فرزند به حساب می‌آید.

مفاهیم نزدیک به دعا

واژه‌های دیگری وجود دارد که در کنار واژه دعا مطرح می‌گردد مانند واژه توسل، استغفار، تضرع و استعاذه. از آنجا که تبیین این عناوین در پاسخ دادن به سوال این پژوهش نقش دارند، شایسته است که در این مقام توضیحاتی پیرامون این امور ارائه شود.

فقه و فقه

شماره چهار
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

توسل، گونه‌ی خاصی از دعوت و استغاثه است که شخص مسلمان با وسیله قرار دادن قرآن یا ائمه معصومین و یا اولیاء الله، و واسطه قرار دادن ایشان، از خداوند متعال خیر و نیکویی مسئلت می‌کند. گاهی نیز مستقیم خواسته خویش را از این ستارگان فیض الهی، درخواست می‌کند. در فقه شیعی این گونه توسلات، نه تنها مانعی ندارد بلکه از مستحبات نیز به شمار می‌رود. (طوسی. محمدبن جعفر. ۴۶۰. ه. ق. ص ۴۲۱).

استغفار و طلب بخشش از خداوند متعال، یک عمل پسندیده ایست که خداوند متعال در قرآن کریم به دفعات زیاد، مومنین را نسبت به آن تشویق می‌کند. (آل عمران ۱۵۹) روایات فراوانی هم در مورد استحباب بالای استغفار، شیوه‌ها و شرایط آن وجود دارد. استغفار یکی از مهم‌ترین شکل‌های دعا است. به طوری که انسان نه تنها مأمور به استغفار برای خودش است بلکه نسبت به استغفار برای والدین و

فرزندان و سایر مومنین نیز سفارشات فراوانی آمده. استغفار و طلب عفو و بخشش گناهان فرزندان در کنار دعا، می‌تواند از رفتارهای تربیتی والدین به حساب آید.

تضرع، در لغت همان تذلل و شکستن برای عرض حاجت است. اگر کسی دچار حالت دل شکستگی بشود و با آن حالت، حاجتی از دیگری طلب کند، می‌گویند متضرع شده است. (مصطفوی. حسن. ۱۴۰۲. ه.ق. ج ۷ ص ۲۹) بنابر این تضرع و دل شکستگی به عنوان مقدمه برای دعا در حق فرزندان مطرح می‌شود.

استعاذه نیز از کارهایی است که می‌تواند در کنار بررسی دعا، از آن گفتگو کرد. استعاذه در لغت از واژه عاذ گرفته شده است به معنای پناه بردن و عصمت جستن و کمک گرفتن. (ابن منظور. ۱۴۱۴. ج ۳ ص ۴۹۸) اما این استعاذه در عالم واقع به گونه های مختلفی محقق می‌شود، گاهی در بیان است به این شکل که شخص دعای استعاذه و همان جمله معروف «أعوذ بالله من الشيطان الرجيم» را به زبان می‌آورد. یا این دعا را در حق دیگران می‌خواند.

اما گاهی به شکل حرز و نوشته صورت می‌گیرد. یکی از اعمال مشهور همین حرز انداختن به گردن یا بازوی فرزندان است. البته بین حرز و استعاذه رابطه تساوی برقرار نیست. یعنی حرزهایی هم وجود دارد که دعای دیگری غیر از استعاذه در آن مکتوب شده است. ولی به هر حال باید بررسی کنیم که آیا اینگونه از دعاها «حرز نویسی و عوذ نویسی» هم مصداق رفتار تربیتی والدین محسوب می‌شود؟ آیا استحبابی دارد یا نه؟

ادله استحباب دعا برای فرزند:

دعا برای فرزند گونه‌های مختلفی دارد؛ از جمله دعا قبل از تولد برای فرزند دار شدن. دعا برای حسن عاقبت فرزند، دعا برای در امان ماندن فرزند از شر شیطان و... با توجه اینکه تربیت، بسترسازی برای پرورش و سعادت فرزند است (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۲، ص ۲۵)، می‌توان گفت منظور از دعا برای تربیت، ان دسته از ادعیه ایست که در جهت اصلاح امور زندگی دنیوی و اخروی فرزند، خوانده می‌شود به طوریکه هم تحقق مقتضیات اصلاح و هم رفع موانع حسن عاقبت را فرا گیرد.

فقه‌موفق

شماره چهار
پاییز و زمستان

۱۴۰۳

بنابراین هرچند دعا برای فرزند دار شدن، مستحب بوده و منابع فراوانی در مورد آن وجود دارد، ولی از دایره بحث خارج این پژوهش خارج است؛ چنانکه ادعیه‌ای مانند دعا برای هدایت پذیری، دعا برای ایمان، دعا برای اصلاح رفتارها، دعا برای دفع شر شیطان و نیز دعا و استغفار برای بخشیده شدن گناهان فرزندان، داخل در بحث خواهد شد.

ادله قرآنی

ادله‌ای که از قرآن به عنوان سند استحباب دعا برای تربیت فرزند قابلیت طرح دارد در یک تقسیم به دو گروه تقسیم می‌گردد:

۱. ادله حاکیه

۲. ادله آمره

ادله حاکیه آن دسته از ادله ایست که حکایت کننده دعای پیامبری از پیامبران، مومنی از مومنان و یا فرد صالحی در حق فرزندان خویش، می باشد. به عنوان مثال حضرت ابراهیم ع از جمله انبیائی است که برای تربیت فرزندان خویش بسیار دعا می کرده است.

به طور کلی وجه دلالت این ادله بر مسئله استحباب دعا برای تربیت فرزند به این شرح است که سیره و روش تربیتی این افراد که توسط قرآن حکایت شده، در نظر خداوند عملی مستحب و مطلوب بوده که آنها را نقل و بر استجابت آن تاکید کرده است. بررسی کیفیت استدلال به این ادله، در ذیل نقل موارد حکایت به تفصیل صورت می پذیرد.

اما ادله آمره، آن آیاتی است که مستقیماً به مومنین و مسلمین دستور داده که برای تربیت فرزندانشان دعا کنند. وجه دلالت این موارد نیز بررسی خواهد شد.

ادله حاکیه

حکایت داستان حضرت ابراهیم (ع): آیات متعددی از قرآن کریم در مورد ماجرای حضرت ابراهیم ع و فرزندانش می باشد. در سوره بقره، می فرماید:

وَ إِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَ إِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ رَبَّنَا وَ اجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَكَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَكَ وَ آَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَ تَبَّ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (سوره بقره، آیه ۱۲۷-۱۲۸)

«در آن هنگام که ابراهیم ع به همراه فرزندش اسماعیل ع خانه کعبه را به پا داشت، دعایی خواندند و از خداوند متعال خواستند که این عمل را از آنها بپذیرد. و به خداوند عرضه داشتند که ما را از مسلمانان قرار ده و همچنین در ذریه ما امت مسلم قرار ده و توبه ما را بپذیر برآستی که تو توبه پذیر و مهربانی.»

سپس دعای دیگری خواندند که خداوند را چنین خطاب کردند: رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ (سوره بقره، آیه ۱۲۹)؛ «خداوندا در بین آنها (ذریه ما) رسولی بفرست تا برایشان آیات تو را بخواند و کتاب و حکمت را به آنها بیاموزند و آنها را تزکیه کند.»

در این آیات خداوند متعال دعای ابراهیم و اسماعیل ع برای نسل و ذریه خویش را حکایت می‌کند.

اولاً این دعا مصداق دعا برای تربیت فرزند است. زیرا ابراهیم ع از یک طرف دعا می‌کند که فرزندان او امت مسلمان شوند، و این دعا، دعای تربیتی است. چرا که معنای اسلام آوردن چیزی جز ایمان به خدا و رفتار بر اساس تکالیف الهی و انتخاب سبک زندگی مومنانه نیست. از طرف دیگر دعا می‌کند که خداوند در میان نسل او رسولانی را برای تلاوت آیات و آموزش حکمت و تزکیه آنها، مبعوث کند. همه اینها یعنی دعا برای فراهم شدن اسباب هدایت و تعلیم و تربیت. بنابراین، دعای حضرت ابراهیم ع، دعا برای تحقق تربیت یا دعا برای تحقق اسباب تربیت فرزندان می‌باشد. بلکه همین دعا کردن هم می‌تواند یک رفتار تربیتی باشد بنابر آنکه تربیت یعنی زمینه‌سازی سعادت متری و فرزند یعنی انجام دادن کاری که



موجب رشد استعدادهای فرزند بشود؛ با این توضیح معلوم می‌شود که ابراهیم ع نه تنها دعا برای حسن عاقبت ذریه اش داشته، بلکه با جلب رحمت الهی، زمینه تربیت را فراهم ساخته است.

و ثانیاً، اینکه خداوند متعال می‌فرماید ابراهیم ع و اسماعیل ع بلافاصله بعد از اتمام بنای کعبه در کنار خانه خدا دست به دعا بر می‌دارند و چنین دعا می‌کنند، نشان دهنده مطلوبیت عمل آنهاست. زیرا خداوند می‌خواهد عمل‌های ابراهیم ع و اسماعیل ع را به پیامبر اسلام و مسلمین یاد آوری کند تا پیامبر ص از ایشان به شایستگی یاد کنند و نام آنها را به خاطر این اعمال نیک، بزرگ بدارند. پس در ان موقعیت، عمل، عمل بزرگی است که موجب ذکر نام ایشان شده.

اگر کاری که قرآن نقل می‌کند، کار پسندیده‌ای باشد، ذکر و یاد آوری قرآن برای تکریم او و عمل شایسته اوست و اگر کاری که حکایت می‌شود کار ناپسندی باشد (مانند مواردی که از کافران و منافقان حکایت می‌کند) ذکر نام آن اشخاص به جهت تقبیح عمل و عبرت‌گیری دیگران است.

در آیات ۳۹ و ۴۰ سوره ابراهیم جلوه دیگری از دعا‌های ایشان بیان می‌شود؛
 الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ *
 رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَ مِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَ تَقَبَّلْ دُعَاءِ .

این آیات نیز می‌تواند به همان توضیحی که گذشت به عنوان دلیل استحباب دعا مطرح شود .

آیاتی که در مورد حضرت مریم س و دعای مادر ایشان آمده است:

در آیات ۳۵ و ۳۶ سوره آل عمران خداوند متعال چنین نقل می کند:

إِذْ قَالَتْ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ * فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا وَضَعْتَ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي أُعِيذُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

«هنگامی که مادر مریم او را به دنیا آورد با خداوند چنین گفتگو کرد که پروردگارا من دختر بدنیا آورده ام و دختر مانند پسر نیست (نذر کرده بود که اگر فرزند پسر به او عطا شود، وقف محراب باشد! و دختر برای خدمتگذاری معبد مانند پسر نیست) خدایا من او را مریم نامیدم و به تو می سپارم او و فرزندانش را از شرور شیطان رانده شده.»



شماره چهار
پاییز و زمستان

۱۴۰۳

دعایی که مادر حضرت مریم س برای ایشان کرده است، دعا برای امر تربیت بود زیرا شیطان با تاثیراتی که در ذهن و قلب انسان می گذارد، می تواند تفکر او و نهایتا رفتار او را منحرف سازد و او را به معصیت و انحطاط بکشانند. انسان تربیت شده انسانی است که اعمال شایسته و افکار شایسته دارد و از پلیدی های فکری و عملی دور باشد. با توجه به نقش شیطان و وسوسه های او در انحراف فکری اخلاقی انسان، می توان گفت که در امان بودن از شیطان تاثیر مستقیمی در تربیت دارد.

حال اینجا مادر مریم س او را از شر شیطان دور خواست و از خداوند درخواست کرد که تاثیر شیطان بر فکر و قلب مریم و نهایتا تاثیر شیطان در انحراف رفتاری مریم را رفع کرده و مریم را در پناه خودش نگاه دارد. در حقیقت همچنانکه

در آیات قبل ابراهیم ع برای اسباب تربیت (بعث رسول) دعا کرده بود این آیه در مقام دعا برای رفع موانع تربیت است.

از طرف دیگر برای اثبات دلالت آیه بر استحباب باید چنین بگوییم که مادر مریم از میان زن‌های دیگر عصر خویش انتخاب شد و قرآن نام او را به نیکی یاد می‌کند. وجه این ذکر و یادآوری چیزی غیر از شایستگی و مطلوبیت عمل این مادر نیست. پس همچنانکه نذر این مادر و گفتگوی او با خداوند، عمل نیکویی بوده، دعای او برای مریم هم مشمول نیکویی و استحباب می‌باشد.

هرچند موارد دیگری هم در قرآن کریم به عنوان حکایت دعا از ناحیه انبیاء به ویژه دعای ابراهیم ع برای فرزندان‌شان آمده است ولی به همین دو آیه در این مقام کفایت می‌شود.

تبیین فقهی نقش دعا
در تربیت فرزندان

در پایان این قسمت اشاره به یک نکته ضروری به نظر می‌رسد و آن اینکه آیا حکایت‌های قرآنی، می‌تواند منابع کشف احکام شرعی باشد؟

علاوه بر اینکه در سراسر فقه شیعه نمونه‌های زیادی وجود دارد که برای اثبات حکم شرعی به آیات حاکیه اقوام گذشته استدلال می‌شود^۱ (که نشان از اعتبار این روش استنباطی و فقهاتی دارد) خود قرآن کریم هم دلیل خوبی است برای اثبات این مطلب که سرگذشت گذشتگان از جمله انبیاء الهی، برای عبرت گرفتن مومنان و

۱. در باب امر به معروف، در باب احترام به والدین (سفارش به حضرت یحیی و حضرت عیسی علیهما السلام)، در باب دیات و

عمل کردن به ان بوده و پیامبر گرامی اسلام صلوات الله علیه و اله وسلم، و سایر مومنین مامور به رعایت این موارد هستند.^۱

نکته دیگر اینکه به طور کلی دعا یک امر مستحبی است و استحباب آن با ادله محکم اثبات شده است؛ حال در این آیات حاکیه مصداقی از مصادیق دعا را که از لسان مبارک انبیاء جاری شده ذکر می کند و در حقیقت می توان گفت این آیات، دعا کننده را ارشاد می کند که از این رفتار و گفتار پیامبران و از اینگونه دعا کردن درس بیاموزید.^۲

ادله آمره

چنانکه گذشت منظور از ادله آمره، آیاتی است که خداوند متعال در ان آیات امر به دعا می کند. البته گاهی صریحا و گاهی تلویحا؛ به این بیان که با توصیف و شمارش اوصاف مومنین و بندگان شایسته، مطلوبیت آن را تشریح می نماید.

در ادامه هم آیات آمره صریح و هم آیات توصیفی ذکر خواهد شد:

آیاتی که به دعا کردن به طور مطلق در ان امر شده است:

۱. در سوره هود آیه ۱۲۰ می فرماید « وَ كَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ قُلُودَكَ وَ جَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَ مَوْعِظَةٌ وَ ذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ »

۲. در آیات قرآن، ابراهیم علیه السلام به عنوان اسوه حسنه به مومنین معرفی شده است. بدون شک اسوه بودن او به معنای پسندیده بودن رفتار اوست و آنچه ابراهیم عمل می کند میتواند دلیل بر خوبی و مطلوبیت آن باشد. و جالب این است که در قرآن کریم، یکی از رفتارهای شایسته ابراهیم ع را دعا و طلب فرزند صالح، عنوان می کند. چنانچه در مطالب قبلی به این آیات اشاره شد.



در برخی از آیات، خداوند متعال بندگان خویش را به دعا و طلب کردن دعوت می‌کند؛ در برخی دیگر از آیات، به پیامبر گرامی اسلام امر شده که دیگران را به دعا کردن فرا بخواند.

در آیه ۶۰ سوره غافر به وضوح خداوند کریم مردم را به دعا کردن امر نموده و فرمود: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ»

استفاده از این آیات برای اثبات مطلوبیت و مأموریت دعا برای تربیت فرزندان، به این صورت است که اولاً این اوامر اطلاق دارند و شامل هر گونه دعائی می‌شوند؛ تربیت فرزند هم می‌تواند مشمول این حکم قرار بگیرد.

و ثانیاً همانطور که در علم اصول فقه ثابت شده، صیغه امر در طلب و بعث ظهور دارد. اینجا نیز اصل مطلوبیت دعا کردن از ظهور امر استفاده می‌شود. ولی اینکه آیا می‌تواند وجوب هم از ایه استفاده شود، بحث دیگری است؛ دلالت بر طلب وجوبی نیاز به قرائن محکم دارد که در مورد دعا، چنین قرائنی نداریم بلکه می‌توان گفت که قرینه بر عدم وجوب، موجود است و نهایتاً استحباب ثابت می‌شود. به هر حال می‌توان مطلوبیت (حداقل به نحو استحباب) را از ایه شریفه استظهار نمود.

آیات سوره فرقان که دعا در حق فرزندان را از جمله اوصاف عباد الرحمن می‌شمارد:

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا (سوره فرقان، آیه ۶۳) ... وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا (سوره فرقان، آیه ۷۴)

از جمله ویژگی بندگان خدا، دعای تربیتی است؛ دعائی با این مضمون که
«خداوندا از میان ازواج و فرزندان ما ، برای ما چشم روشنی قرار ده.»

بیان استدلال بر این ایه متوقف بر چند امر است:

الف- این دعا یکی از مصادیق دعا برای تربیت، بلکه روشی از روش‌های تربیت است؛ وقتی تربیت فراهم کردن زمینه سعادت و رسیدن فرزند به کمال باشد، این زمینه از چه راهی فراهم می‌شود؟ والدین با فراهم کردن مقدمات سعادت، و رفع موانع انحراف ، تربیت را دنبال می‌کنند. به طور قطع، جلب نظر خداوند از طریق دعا و تضرع، می‌تواند یک عمل تربیتی باشد و زمینه سعادت فرزندان را فراهم کند. چنانکه دوری از شیطان و سوسه‌های او نیز زمینه تحقق سعادت انسان و ایمان قوی و عمل صالح است.

ب- اسلوبی که در این قبیل آیات، بکار گرفته شده از قالب‌های مطرح برای اثبات مطلوبیت عمل است؛ قرآن کریم در توصیف بندگان شایسته خدا، اعمال شایسته آنها را بر می‌شمارد و چنین مسلم می‌انگارد که انجام این اعمال در تحقق بندگی خدا موثر است.

این آیات، دوازده صفت از صفات ویژه مومنان را بیان می‌کند؛ بعضی به جنبه‌های اعتقادی ارتباط دارند، برخی به اخلاقیات، و پاره‌ای به اوصاف اجتماعی. و روی هم رفته مجموعه‌ای است از والاترین ارزشهای انسانی.^۱

۱. در التحریر و التئویر، ج ۱۹، ص: ۸۷ چنین می‌گوید:

با توجه به این دو مقدمه، ثابت می‌شود که دعا کردن برای تربیت فرزند که از جمله اوصاف بندگان خدا نامیده شده، مطلوبیت دارد و اقل مطلوبیت آن، استحباب است. فثبت المطلوب!

جمع بندی ادله قرآنی

هرچند آیات محدود و معدودی از قران کریم ذکر شد، اما ذیل این تقسیم بندی آیات دیگری هم قرار می‌گیرد. آیاتی که به صورت عام دلالت بر استحباب و مطلوبیت دعا می‌کنند نیز می‌تواند به عنوان دلیل در بحث ما مطرح گردد.

به هر حال مجموعه آیات قران به خوبی نشان می‌دهد که در نگاه قران کریم هم دعای برای فرزند صالح داشتن هم دعا برای صلاح و خوبی فرزندان، مطلوب و مستحب است.

تبیین فقهی نقش دعا
در تربیت فرزندان

همچنین ثابت می‌شود که دعا برای تربیت فرزند گونه‌های مختلفی دارد و شامل طلب امور معنوی، اعتقادی و اخلاقی و مادی می‌گردد.

ادله روایی

در میان احادیث شریفی که از پیامبر گرامی اسلام ص و امامان معصوم ع صادر شده، می‌توان روایات فراوانی یافت که به شیوه‌های مختلف دلالت بر استحباب دعا

« و إذ قد أُجريت عليهم تلك الصفات في مقام الثناء والوعد بجزاء الجنة علم أن من اتصف بتلك الصفات موعود بمثل ذلك الجزاء و قد شرفهم الله بأن جعل عنوانهم عباد» و در ادامه می‌افزاید: «و إذا كان المراد من عباد الرحمن جميع المؤمنين المتصفين بمضمون تلك الصلوات كانت تلك الموصولات و صلاتها نعت العباد الرحمن و كان الخبر اسم الإشارة في قوله أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرَّةَ [الفرقان: ۷۵]»

می‌کنند. قالب‌هایی همچون، امر به دعا، حکایت دعا در سیره انبیاء، ذکر آثار دعا برای ترغیب والدین به این امر و نیز ادعیه‌ای که از خود حضرات معصومین ع به دست ما رسیده که مشتمل بر دعا‌هایی برای فرزندان‌شان می‌باشد؛ مانند دعای شریف امام سجاده که در صحیفه حضرت آمده است.

سه گروه از روایات را در این مقام مورد توجه قرار می‌گیرد:

دسته اول: روایات آمره به دعا برای تربیت فرزند:

موارد زیادی از روایات وجود دارد که اصحاب رسول خدا، و یاران ائمه معصومین علیهم صلوات الله، خدمت ایشان شرفیاب شدند و از نداشتن فرزند شکایت کردند. حضرات معصومین در جواب آنها دستوراتی صادر کرده اند از جمله دعای طلب فرزند صالح در حالات مختلف؛ در سجده، بعد الاستغفار، بعد از سه روز روزه، در روز جمعه و...

نکته ای که بیانش در اینجا اهمیت دارد این است که، در این روایات، صرف طلب فرزند مورد توجه قرار نگرفته بلکه حضرات معصومین به اصحاب خویش می‌آموختند که فرزند صالح و طیب را از خداوند طلب کنید. یعنی همچنانکه فرزنددار شدن برای یک خانواده مطلوب و مورد توجه است، تربیت او و رساندن به مرحله صلاح نیز اهمیت دارد چنانکه برای این امر شایسته است به محضر پرودگار متوسل شده و از او خواسته شود که فرزند صالح و پاکیزه‌ای عطا نماید.

از بین روایات وارده در مورد دعا برای طلب فرزند، که از جهت سند و دلالت مختلف هستند یک روایت در این جا ذکر می‌شود:



شماره چهار
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ مُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَنْ أَبَانَ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ حَرِيزٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ قَالَ إِذَا أَرَدْتَ الْوَلَدَ فَقُلْ عِنْدَ الْجَمَاعِ اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي وَلَدًا وَاجْعَلْهُ تَقِيًّا لَيْسَ فِي خَلْقِهِ زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ إِلَى خَيْرٍ (كلینی. محمد بن یعقوب. ۳۲۹ ه. ق. ج ۶ ص ۱۰)

در مجموع این روایت از جهت سند دارای اعتبار است؛ راویان آن مورد توثیق قرار گرفته اند و از احادیث صحیح السند بشمار می آید. البته توثیق و اعتبار معلى بن محمد البصری که از جمله راویان این حدیث است مورد اختلاف واقع شده و این اختلاف ناشی از توصیف رجالیون معروف - نجاشی و ابن غضائری - است.

دانشمند رجالی معروف نجاشی در باره او گفته است: «مضطرب الحديث و المذهب.» (نجاشی. احمد. ۴۵۰ ه. ق. ص ۴۱۸) ابن غضائری نیز در وصف معلى بن محمد گفته است: «معلى بن محمد البصری أبو محمد يعرف حديثه وينكر، و يروى عن الضعفاء، و يجوز أن يخرج شاهدا.» (ابن غضائری. احمد. ۴۵۰ ه. ق. ج ۱ ص ۹۶)

ممکن است این عبارات به عنوان وجه ضعف معلى بن محمد مطرح شده و از اعتبار سند حدیث بکاهد؛ منتهی مرحوم خوئی ره اشکالات این دو رجالی را مایه تضعیف معلى بن محمد نمی داند و با پذیرش توثیق او چنین بیان می کند که: «به نظر می رسد که این مرد مورد اعتماد است و می توان به روایات او اعتماد کرد. اما گفته نجاشی درباره اضطراب او در حدیث و مذهب مانعی برای وثاقت او نیست. اضطراب او در مذهب ثابت نشده است، همان طور که برخی گفته اند، و حتی اگر ثابت شود، با وثاقت او منافاتی ندارد. اما اضطراب او در حدیث به این معناست که گاهی روایاتی را نقل می کند که شناخته شده اند و گاهی روایاتی را نقل می کند که

ناشناخته‌اند و این نیز با وثاقت او منافاتی ندارد. « (خوئی. سید ابوالقاسم. ۱۴۱۳ ه. ق. ج ۱۸ ص ۲۵۸).

ایشان معتقد است که معلی بن محمد از افراد مورد وثوق است و این اشکالات مانعی برای وثاقت او نیست. اگر او در سلسله راویان حدیثی باشد و بقیه افراد، افراد مورد اعتماد و وثوق باشند، نقل او هم مورد پذیرش است.

به هر حال امام باقر ع فرمودند: «اگر خواهان فرزند هستی، هنگام آمیزش بگو: «خدایا، به من فرزندی عطا کن و او را پرهیزگار قرار ده که در خلقتش نه افزونی باشد و نه کاستی، و عاقبتش را به خیر گردان» در مورد دلالت روایت گفته می‌شود:

روایت عمومیت دارد و همه کسانی که مایل به فرزند هستند را شامل می‌شود. بنابراین هرچند مخاطب خاص این حدیث محمد بن مسلم (راوی بلاواسطه) است اما خصوصیتی در شخص او وجود ندارد و امام در حال بیان نکته کلی و عام می‌باشد و از همین رو مضمون روایت یک دستور دینی حساب می‌شود. امام در کلام خویش از صیغه امر «قُلْ» استفاده کرده است. صیغه امر نیز حداقل بر مطلوبیت مامور به و نیکویی آن عمل دلالت دارد.^۱ فقهاء شیعه نیز این دستور امام را به عنوان دلیل بر استحباب این آداب مطرح کرده اند (نجفی. حسن. ۱۲۶۶ ه. ق. ج ۲۹ ص ۴۶)

۱. هرچند برخی از اصولیون تلاش کرده اند که موضوع له صیغه امر را، وجوب شرعی نشان دهند، و لکن قدر متیقن از مقاد صیغه امر

همین مطلوبیت و انگیزه سازی برای انجام عمل است. ولی در موارد مختلف می‌توان به کمک قرائن، شدت و ضعف این مطلوبیت را کشف

نمود.



امام سه دعای ویژه به آن کسانی که از خداوند طلب فرزند می‌کنند آموزش می‌دهد و می‌فرماید علاوه بر طلب فرزند این سه چیز را هم از خداوند درخواست کنید. وَاجْعَلْهُ تَقِيًّا لَيْسَ فِي خَلْقِهِ زِيَادَةٌ وَلَا نُقْصَانٌ وَاجْعَلْ عَاقِبَتَهُ إِلَى خَيْرٍ. یعنی از خداوند متعال مسئلت نمایید که اولاد فرزند شما را تقی و پاکیزه قرار دهد. (این عبارت مطلق است و پاکیزگی در هر چیز را شامل می‌شود. بنابراین این پاکیزگی روح و جان که با تقوای الهی و دوری از انحراف‌های دینی و اخلاقی حاصل می‌شود، نیز مشمول این عبارت است؛ و این همان نتیجه تربیت صحیح است و حضرت می‌خواهد به والدین بیاموزد که برای تربیت فرزند هم باید دست به دعا شوید همانطور که برای اصل فرزند آوری دعا می‌کنید.)

و ثانیاً از خدا بخواهید که در خلقت فرزند شما نقص و عیبی نبوده باشد. و این نشان می‌دهد که سلامت جسم و عاری بودن از نقایص خلقی هم از اهمیت بالایی برخوردار است و باید نسبت به آن به درگاه خداوند توسل جست.

و ثالثاً برای عاقبت به خیری فرزند نیز دعا کنید. عاقبت به خیری و سعادت فرزند همان قله تربیت است که تمام رفتارهای تربیتی والدین ذیل این محور معنا پیدا می‌کند. این مسئله به قدری مهم است که امام به والدین می‌آموزد که برای عاقبت به خیری فرزندان قبل از تولد او اقدام کنید و در حالیکه هنوز فرزندی به شما عطا نشده، فرزندی درخواست کنید که عاقبت به خیر باشد!

دعاهایی که در این حدیث شریف نسبت به تقی بودن یا عاقبت به خیری فرزند مطرح شده، اختصاصی به قبل از تولد فرزند ندارد. یعنی از طریق الغاء خصوصیت، استحباب این دعا را توسعه داده و در همه حال آن را مستحب دانست.

با توجه به نکات مطرح شده بالا، می‌توان با اطمینان خاطر بیان کرد که دعا برای فرزندان، یک عمل موثر در تربیت فرزند است که در شرع مقدس اسلام، نسبت به آن دستوراتی صریح و روشنی وارد شده است. این یک نمونه از روایات مورد استدلال در بحث است.^۱

دسته دوم: روایات حاکیه

در تعداد قابل توجهی از روایات معصومین علیهم السلام، حکایات قرانی با مضمون دعا برای فرزند را به عنوان شاهد ذکر کرده و از این طریق اصل دعا و چگونگی دعا در حق فرزندان را مستند به قصص قرانی، به اصحاب خویش آموخته اند.

از بین روایات متعدده این گروه، به یک روایت اشاره می‌شود.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است:

« مَنْ أَرَادَ أَنْ يُحْبَلَ لَهُ فَلْيُصَلِّ رَكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْجُمُعَةِ يُطِيلُ فِيهِمَا الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ ثُمَّ يَقُولُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَا سَأَلَكَ بِهِ زَكَرِيَّا يَا رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ اللَّهُمَّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ اللَّهُمَّ بِاسْمِكَ اسْتَحْلَلْتُهَا وَ فِي أَمَانَتِكَ أَخَذْتُهَا فَإِنْ قَضَيْتَ فِي رَحْمَتِهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا مُبَارَكًا زَكِيًّا وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شِرْكًَا وَ لَا نَصِيْبًا. » (کلینی. محمد بن یعقوب. ۳۲۹ ه. ق. ج ۶ ص ۸)

«هر کس می‌خواهد که برای او فرزندی حاصل شود، پس بعد از نماز جمعه دو رکعت نماز بخواند و در آن‌ها رکوع و سجود را طولانی کند، سپس بگوید:

۱. برای مطالعه بیشتر نسبت به اثبات استحباب دعا برای فرزندان و آشنایی با روایت‌های این باب، مراجعه کنید به کتاب «موسوعة

أحكام الأطفال و أدلتها، ج ۳، ص: ۴۷۱»

«خدایا، از تو درخواست می‌کنم به همان چیزی که زکریا از تو درخواست کرد. ای پروردگار، مرا تنها مگذار و تو بهترین وارثانی. خدایا، از جانب خود به من فرزندی پاک عطا کن، به درستی که تو شنونده دعا هستی. خدایا، به نام تو او را حلال کردم و در امانت تو او را گرفتم. پس اگر در رحم او فرزندی قرار دادی، او را پسری مبارک و پاک قرار ده و برای شیطان در او هیچ سهم و نصیبی قرار مده»

حضرت در این روایت چنین می‌آموزد که برای درخواست فرزند از خداوند متعال، از همان اذکار و ادعیه استفاده شود که زکریای نبی ع در محضر خداوند متعال به زبان آورد.

در مورد سند این روایت گفته می‌شود که روایت مرسله است^۱ چون محمد بن مسلم از کسی نقل می‌کند که نام او معلوم نیست. معمولاً روایات مرسل اعتبار صدوری ندارند و ارسال، نقطه ضعف سندی به شمار می‌آید. مگر آنکه به کمک قرائنی، از صدور روایت از معصومین اطمینان پیدا کرد.

در مورد روایات کتاب کافی گفته می‌شود شهادت مرحوم کلینی ره در ابتدای این کتاب مبنی بر اطمینان به صدور روایات آن، از معصومین علیهم السلام، قرینه خوبی است که می‌تواند موجبات اطمینان به صدور روایات را برای خواننده فراهم سازد؛ لذا می‌توان از این قرینه استفاده نمود.

راه دیگری که موجب رفع شبهه در تمسک به این روایت و امثال آن مطرح می‌شود، تمسک به قاعده کلیه «تسامح در ادله سنن» است. به وسیله این قاعده تفحص سندی و بررسی اعتبار صدوری در روایاتی که آداب و مستحبات شرعی را نقل می‌کنند، تا حدودی معفو می‌شود. به هر حال مباحث رجالی مربوط به

تبیین فقهی نقش دعا
در تربیت فرزندان

۱. مُحَمَّدُ بْنُ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ رَجُلٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع.

جای دیگری است ولی آنچه اعتماد به این روایات را فراهم می‌سازد، استفاده کثیری از فقهاء شیعه به این روایت و امثال آن است.

از جهت دلالت نیز، این حدیث شریف از وضوح بالایی برخوردار است. چنانچه امام بوسيله دو چیز اهمیت دعا برای تربیت فرزند در کنار دعا برای اصل فرزند دار شدن را نشان می‌دهد؛ یکی اینکه به ماجرای جناب زکریا اشاره می‌کند و می‌فرماید دعای خویش را با بیان زکریای نبی ع (که قرآن از ایشان حکایت می‌کند) آراسته کن؛^۱ و دیگر آنکه در ادامه خود حضرت نیز ادعیه‌ای به جملاتی به عنوان دعا اشاره می‌کند که صراحتاً دعای تربیتی است. فرمود خداوند را چنین بخوان: «إِنْ قَضَيْتَ فِي رَحِمِهَا وَلَدًا فَاجْعَلْهُ غُلَامًا مُبَارَكًا زَكِيًّا وَ لَا تَجْعَلْ لِلشَّيْطَانِ فِيهِ شَرْكًا وَ لَا نَصِيبًا»

غلام مبارک بودن، زکی و هوشیار بودن، و دوری از شیطان، همه اینها از مراتب تربیت انسان صالح است. بنابراین والدین با این دعایشان زمینه صلاح و سعادت فرزند را فراهم می‌کنند.

دسته سوم: ادعیه شریفه خود معصومین علیهم السلام

یکی از منابع مهم در اثبات مطلوبیت دعا برای فرزندان، ادعیه ایست که از پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین علیهم السلام نقل شده است.^۲ مشهورترین این ادعیه، دعای شریف امام چهارم، حضرت زین العابدین علیه السلام است که در کتاب صحیفه سجادیه نقل شده. در بخش‌هایی از دعای ۲۵، حضرت می‌فرماید:

۱. و در مطالب قبلی تربیتی بودن دعای حضرت زکریا ع را تبیین کردیم

۲. در بخش ایات، با ادعیه پیامبران آشنا شدیم به همین سبب از تکرار ادعیه انبیاء در این بخش خود داری می‌شود.

« اللَّهُمَّ وَ مَنْ عَلَى بَقَاءِ وَلَدِي وَ بِإِصْلَاحِهِمْ لِي وَ بِإِمْتَاعِي بِهِمْ. إِلَهِي امدُدْ لِي فِي أَعْمَارِهِمْ، وَ زِدْ لِي فِي أَجَالِهِمْ، وَ رَبِّ لِي صَغِيرَهُمْ، وَ قَوْلِي ضَعِيفَهُمْ، وَ أَصِحِّ لِي أَبْدَانَهُمْ وَ أَذْيَانَهُمْ وَ أَخْلَاقَهُمْ، وَ عَافِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ وَ فِي جَوَارِحِهِمْ وَ فِي كُلِّ مَا عُنِيتُ بِهِ مِنْ أَمْرِهِمْ، وَ أَدْرِ لِي وَ عَلَى يَدِي أَرْزَاقَهُمْ.

وَ اجْعَلْهُمْ أَبْرَاراً اتَّقِيَاءَ بُصْرَاءَ سَامِعِينَ مُطِيعِينَ لَكَ، وَ لِأَوْلِيَائِكَ مُحِبِّينَ مُنَاصِحِينَ، وَ لَجَمِيعِ أَعْدَائِكَ مُعَانِدِينَ وَ مُبْغِضِينَ...

و در ادامه این دعا چنین طلب می کند:

وَ أَعْنِي عَلَى تَرْبِيَّتِهِمْ وَ تَأْدِيبِهِمْ، وَ بَرِّهِمْ، وَ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ مَعَهُمْ أَوْلَاداً ذُكُوراً، وَ اجْعَلْ ذَلِكَ خَيْراً لِي، وَ اجْعَلْهُمْ لِي عَوْناً عَلَى مَا سَأَلْتُكَ^۱

تبیین فقهی نقش دعا
در تربیت فرزندان

عبارات نورانی این امام همام، در حقیقت آموزه‌هایی از اداب و سنن شرعیست که در قالب دعا برای جمیع مومنین به یادگار مانده است.

امام سجاده به زیبایی خداوند متعال را خطاب می‌کند و نسبت به همه امور فرزندان از خداوند متعال خیر و نیکویی مسئلت می‌نماید؛ هم امور جسمی آنها و سلامت ابدان آنها، هم امور مادی و رزق و روزی زندگی آنها، و هم امور معنوی و مسائل مرتبط با سعادت تربیتی آنها را. این دعای زیبا، در باطن خویش طنین فریادی از سوی امام است مبنی بر اهمیت دعای تربیت فرزندان.

بنابراین می‌توان گفت که ادعیه صحیفه سجاده نیز به گونه‌ای سند مستند برای اثبات استحباب دعای تربیتی برای فرزندان است.

اما مسئله‌ی که ذکر آن خالی از لطف نیست، بررسی وضعیت صدور این ادعیه است. به تعبیر دیگر یک سوال مهم وجود دارد و آن در مورد کیفیت تالیف این کتاب و اعتبار صدور این روایت از امام سجاده و وصول آن به شیعیان می‌باشد.

(به طور خلاصه) باید گفت صدور کتاب صحیفه سجاده و نسبت آن به امام زین العابدین علیه السلام در میان علما و فقهای شیعه مطلبی متواتر است. به گونه‌ای که حتی کسانی که خبر واحد را حجت نمی‌دانستند (مانند ابن ادریس حلی ره) به روایات این کتاب اعتماد کرده و بر اساس آن فتوا صادر می‌کردند (لاری، سیدعبدالحسین ۱۴۱۸.ه.ق ج ۱ ص ۱۶۸)



شماره چهار
پاییز و زمستان
۱۴۰۳

صحیفه سجاده که به آن «انجیل اهل بیت» و «زبور آل رسول» نیز می‌گویند، در نظر کثیری از فقهاء شیعه متواتر است و آوردن سند (برای برخی از نقل‌ها که در کتاب‌ها مشاهده می‌شود) تنها برای بیان طریق روایت و اجازه نقل آن است و عالمان و استادان فن، در اجازات خود، بدین شیوه عمل می‌کرده‌اند.

نکاتی هم وجود دارد که ممکن است وجه ضعف اعتبار صحیفه سجاده باشد.

مرحوم امام ره می‌فرماید هرچند متواتر بودن این کتاب اجماعی است، اما این تواتر به نحو اجمالی است؛ یعنی فی الجمله می‌دانیم که برخی از ادعیه این کتاب از لسان مبارک امام ع جاری و خارج شده ولی نمی‌دانیم آن ادعیه و آن عبارات کدام است؟ و این باعث می‌شود که هر متنی که برای استنباط فقهی از میان این ادله انتخاب کنیم، مورد ظن و گمان باشد که این از دایره تواتر در نقل، خارج باشد. علی‌الخصوص اینکه برخی از نسخه‌های صحیفه سجاده حدود ۵۰

دعا ثبت شده و برخی دیگر بیش از ۷۰ دعا را جمع آوری کرده است.
(خمینی. ۱۴۱۵. ه. ق. ج ۱ ص ۳۲۰)

روایات و ادعیه این کتاب با جمله «حدثنا» نقل شده و نمی‌دانیم که این
راویان کیستند؟ و این امر موجب جهل به راوی و در نتیجه ضعف اعتماد به
صدور آن می‌شود

برخی از عبارات، ملائمت و مناسبتی با سایر عبارات دعا ندارد.
در مقابل می‌توان برای ارتفاع این شبهات، راه‌هایی را طی کرد:
اولا اسنادی این کتاب در طول تاریخ توسط بزرگانی مانند شهید ثانی، سینه به
سینه، نقل شده است. موارد زیادی داریم که فقهاء عظام این کتاب را مسند
می‌دانند^۱

ثانیا، اعتماد عملی فقهاء به برخی از فقرات کتاب، می‌توان آن علم اجمالی
که مرحوم امام ره مطرح کرده است، منسند کند.^۲

ثالثا، نهایت امر این است که با تمسک به روایات مسامحه در ادله سنن بین
مواردی از این کتاب که دلالت بر حرمت و حلیه و حکم الزامی می‌کند، و
مواردی که دال بر استحباب یا کراهت عمل تفاوت قائل شد.
رابعا خود مضامین عالی این دعا نیز می‌تواند اطمینان و وثوق به صدور فراهم
آورد هر چند که ضعف سند را بپذیریم.

تبیین فقهی نقش دعا
در تربیت فرزندان

۱. برای نمونه رجوع شود به: رسائل الشَّهید الثَّانی (ط - الحدیث)، ج ۲، ص: ۱۱۸۱

۲. النخبَةُ فی الحکمة العَمَلِیَّة و الأحکام الشرعیَّة، ص: ۱۲۴ - الحاشیة علی مدارک الأحکام، ج ۳، ص: ۱۹۹ - مصباح الهمدانی فی شرح

العروة الوثقی، ج ۳، ص: ۱۷۰ - موسوعة أحكام الأطفال و أدلتها، ج ۳، ص: ۴۷۲

به هر حال، در مورد این کتاب می‌توان مانند نهج البلاغه مرحوم رضی ره برخورد نمود و همان مباحث را که برای حجیت آن کتاب مطرح شده، در این موارد ذکر کرد.

جمع بندی ادله استحباب

آنچه گذشت، گونه‌هایی از ادله قرانی و روایی و نمونه‌هایی از منابع فراوانی بود که در باب استحباب دعا و نقش فقهی دعا در تربیت فرزند وجود دارد. و با توجه به قوت این ادله، شکی در مطلوبیت و استحباب دعا در امر تربیت، باقی نخواهد ماند.

اما سوالات دیگری هم مطرح می‌شود که شایسته است در این نوشته به آنها پاسخ داده شود.

واجب بودن دعا برای فرزندان

آیا دعا کردن برای فرزندان وجوب هم پیدا می‌کند؟ این سوالی است که در حقیقت با ملاحظه و بررسی آثار دعا، مطرح می‌شود. بر اساس آیات و روایات، دعای والدین اثرات زیادی در سعادت فرزندان دارد. به طوریکه در مواردی مقدرات الهی در مورد فرزندان با دعای والدین متغیر شده است؛ «عن رسول الله صلی الله علیه و آله أنه قال: «إن العبد ليرفع له درجة في الجنة لا يعرفها من أعماله فيقول: ربّ أئني لي هذه؟ فيقول: باستغفار والدك لك من بعدك ...» (نوری، میرزا حسین. ۱۴۰۸. ه. ق ج ۶ ص ۴۳۹)

این روایت شریف نشان می‌دهد که دعای والدین در سعادت اخروی فرزندان تاثیر دارد و شاهد خوبی است برای اینکه دعای ایشان در حل امور دنیایی فرزندان نیز موثر خواهد بود و موجبات تغییر مقدرات الهی می‌شود.



حال که اینگونه است، آیا دعا کردن برای رفع موانع سعادت فرزندان، و یا دعا کردن برای تقویت عناصر شناختی، عاطفی و رفتاری آنها که از برنامه‌های تربیتی محسوب می‌شود وجوب هم پیدا می‌کند؟

برای مثال والدینی که می‌خواهند روحیه تفکر فرزندان را تقویت کرده و او را متفکر بار بیاورند را در نظر بگیرید؛ راه‌هایی که ایشان می‌توانند انجام دهند چیست؟ ایجاد پرسش‌های اصولی، طرح معماهای فکری، استدلال‌های منطقی، آموزش روش تفکر و تفکر خلاق و ... اینها همه از برنامه‌های موثر در ایجاد روحیه تفکر است. حال فرض می‌کنیم که با دعای والدین، قوای نفسانی و عناصر جسمانی مرتبط با روحیه تفکر، در فرزند رشد پیدا کند (همانطور که در برخی از ادعیه وارد، عقل سلیم، فکر بلیغ، لسان گویا و... برای فرزند طلب شده است) آیا اینجا الزامی برای دعا کردن مطرح می‌شود؟

تبیین فقهی نقش دعا
در تربیت فرزندان

از میان ادله نقلی (آیات و روایات) دلیل صریح بر وجوب دعا برای امر تربیت یافت نشد؛ شاید بتوان دلیلی را با تمسک به درک عقلی چنین مطرح کرد:

دلیل عقلی بر وجوب دعا برای امر تربیت

اصل دعا مستحب بوده و دارای تاثیرات معنوی است. پس ممکن است در مواردی راه‌های دیگر تربیت به بن بست رسیده و تنها راه دعا و نیایش به درگاه خداوند باز باشد، عقل لزوم تمسک به این راه و انجام این عمل را درک می‌کند. بدین بیان که :

اگر تربیت واجب باشد (که در جای خودش به ادله عقلی و نقلی و عقلانی می توان وجوبش را اثبات کرد) روش های تربیت به عنوان مقدمه این واجب مطرح می شوند. چنانچه دعا کردن در کنار سایر روش های تربیتی قرار بگیرد، بیش از استحباب تمسک به دعا نمی توانیم ادعا کنیم؛ اما اگر دعا تنها روش تحقق تربیت باشد، لزوم مقدمی پیدا می کند.

عقل می گوید اگر والدین همه مسیر برای اصلاح فرزند را دنبال کرده ولی جوابی نگرفته باشند، و تنها یک راه برایشان باقی مانده باشد، حتی اگر تاثیر آن یک راه قطعی نباشد، همان کار را باید انجام داد و این مستند به دفع ضرر محتمل است.

بنابر این در تقریر این دلیل عقلی چند نکته وجود دارد:

۱. دفع ضرر محتمل واجب عقلی است و حتی با راه های غیر قطعی باید ضرر محتمل را دفع کرد.
۲. دعا مانند سایر روش های تربیتی است و تاثیر مهمی دارد. البته شرایطی دارد که حتی با تحقق آن شرایط نیز ممکن است اجابت نشود ولی در عین حال احتمال استجاب دعا وجود دارد پس باید این کار را به عنوان راهی برای دفع ضرر محتمل انجام داد.
۳. از برخی از روایات استظهار می شود که دعای والدین در حق فرزندان مستجاب است؛ همین روایات می تواند به عنوان شاهد مطرح شود.^۱

۱. الأُمّالی (للصدوق) / النص / ۲۶۵ / المجلس الخامس والأربعون - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص أَرْبَعَةٌ لَا تُرَدُّ لَهُمْ دَعْوَةٌ وَتُفْتَحُ لَهَا أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَتَصِيرُ إِلَى الْعَرْشِ دُعَاءُ الْوَالِدِ لَوْلَدِهِ وَالْمَظْلُومِ عَلَى مَنْ ظَلَمَهُ وَالْمُعْتَمِرِ حَتَّى يَرْجِعَ وَالصَّائِمِ حَتَّى يُفْطِرَ.



۴. تا وقتی راه‌های دیگر وجود دارد عقل چنین حکمی نمی‌کند.

چند اشکال به این استدلال وارد می‌شود

این استدلال اخص از مدعاست زیرا شامل موارد زیر نمی‌شود:
مواردی که تربیت در زمینه رشد استعدادهاى فرزند باشد. (استدلال بر پایه دفع ضرر محتمل جاری شده نه بر پایه دفع مفعت محتمل! چون در مورد جلب منفعت، عقل چنین لزومی نمی‌بیند)

مواردی که روش‌های تربیتی دیگری غیر از دعا وجود داشته باشد.
هر چند دلیل عقلی بر وجوب داشته باشیم، ولی باز هم ممکن است که اطلاعات ادله ترخیصی این وجوب را برداشته باشند و کسی که از انجام دعا سر باز بزند، مورد عقاب شرعی نخواهد بود هر چند سرزنش عقلی شاملش می‌شود!
در مجموع می‌توان گفت، قول به وجوب دعا به صورت فی‌الجمله و در برخی از موارد، منشأ تحلیل عقلی دارد. اما دلیل محکم و صریح شرعی برای آن ثابت نیست.

تبیین فقهی نقش دعا
در تربیت فرزندان

استعاذه و تعویذ

یکی از مصادیق دعا، تعویذ یا همان حرز نویسی است. در باب جواز یا استحباب حرز به صورت مطلق (چه در امر تربیت چه در غیر آن) کتابها و نوشته‌های زیادی تدوین شده. استفاده از مکتوباتی که به گردن یا بازو یا دست فرزند نوشته می‌شود، نه تنها سیره متشرعه بوده بلکه در برخی موارد ائمه معصومین علیهم السلام نیز پیشنهاد استفاده از این نوشته‌ها را در قالب‌های مختلف داده‌اند. در برخی از روایات حضرت فرمودند دعا را برانگشتر خویش بنویس.

در برخی احادیث بستن حرز را بر بازوی فرزند سفارش کرده اند. برخی از روایات عودۀ هایی برای قرائت مستمر آموخته اند. نمونه‌هایی از این حرزها را در کتاب شریف دعوات قطب راوندی و کتاب مصباح کفعمی می توان مطالعه کرد.^۱

هر چند ممکن است اسناد بعضی از این احادیث اعتبار صدورری محکمی نداشته باشند، اما اجمالاً می توان به صدور برخی از این عبارات مطمئن بود. حتی می توان ضعف صدورری را با شهرت عملیه متشرعه و حتی فقها و بلکه خود اهل بیت ع، جبران گردد؛

«روایت شده از شیخی کهنسال که پدرش فرزندى نداشت که زنده بماند. او گفت: سپس من در سن پیری برای او متولد شدم و او از من خوشحال شد. سپس در حالی که من هفت ساله بودم، درگذشت. عمویم سرپرستی من را بر عهده گرفت



شماره چهار
پاییز و زمستان

۱۴۰۳

^۱ . ابن طاوس یک روایت بسیار جالب که از جهت سندی هم تا حدودی می توان اعتبار صدورش را پذیرفت در کتاب مهج الدوات آمده است: مهج الدعوات و منهج العبادات ؛ ص ۱۰ عَنْ أَبِي بصيرٍ وَ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَا حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الصَّادِقُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ع قَالَ: كَانَ النَّبِيُّ ص يُعَوِّذُ الْحَسَنَ وَ الْحُسَيْنَ ع بِهَذِهِ الْعُوذَةِ وَ كَانَ بِأَمْرِ بِذَلِكَ أَصْحَابُهُ ع وَ هُوَ هَذَا - بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ أُعِيدُ نَفْسِي وَ دِينِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ وَلَدِي وَ خَوَاتِيمَ عَمَلِي وَ مَا رَزَقَنِي رَبِّي وَ خَوْلَنِي بِعِزَّةِ اللَّهِ وَ عَظَمَةِ اللَّهِ وَ جِبْرُوتِ اللَّهِ وَ سُلْطَانِ اللَّهِ وَ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ رَأْفَةِ اللَّهِ وَ غُفْرَانِ اللَّهِ وَ قُوَّةِ اللَّهِ وَ قُدْرَةِ اللَّهِ وَ بَالَاءِ اللَّهِ وَ بَصْنَعِ اللَّهِ وَ بَارِكَانَ اللَّهِ وَ بَجْمَعِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ بِرَسُولِ اللَّهِ ص وَ قُدْرَةِ اللَّهِ عَلَيَّ مَا يَشَاءُ مِنْ شَرِّ السَّامَةِ وَ الْهَامَةِ وَ مِنْ شَرِّ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ وَ مِنْ شَرِّ مَا دَبَّ فِي الْأَرْضِ وَ مِنْ شَرِّ مَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَ مِنْ شَرِّ مَا يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَ مَا يَعْرُجُ فِيهَا وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ رَبِّي أَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ - وَ هُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ أَجْمَعِينَ.

و روزی مرا نزد پیامبر (ص) برد و به او گفت: ای رسول خدا، این پسر برادرم است و او به راه خود رفته است. به من دعایی بیاموز که او را با آن پناه دهم. پیامبر (ص) فرمود: چرا از ذات القلاقل غافل؟ بگو: «يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ»، «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»، «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»، و «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ». و در روایتی دیگر: «قُلْ أَوْحَى» شیخ [کهنسال] گفت: و من تا امروز با این دعاها پناه می گیرم و هیچ فرزند یا مالی از دست ندادم و بیمار نشدم و فقیر نشدم و سنم به آنچه می بینید رسیده است.» (راوندی. قطب الدین. ۵۷۳. ه.ق. ص ۸۵)

در جای دیگر قطب راوندی، دعای مفصلی را نقل می کند و در پایانش می گوید: رَوَاهَا عَبْدُ الْعَظِيمِ الْحَسَنِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ قَالَ وَقَدْ كَتَبَ الْعُوذَةَ الْأَخِيرَةَ لِابْنِهِ أَبِي الْحَسَنِ ع وَهُوَ صَبِيٌّ فِي الْمَهْدِ وَكَانَ يُعَوِّدُهُ بِهَا (همان ص ۱۰۵)

تبیین فقهی نقش دعا
در تربیت فرزندان

در شرح الکافی نکاتی پیرامون رقیه نویسی و حرز نویسی مطرح شده که خلاصه آن، جواز حرز نویسی به آیات و اسماء الله می باشد چنانچه از برخی از روایات هم معلوم می شود که اهل بیت ع چنین کاری انجام می دادند. (مازندارنی. ملاصالح. ۱۰۸۱. ه.ق. ج ۱۱ ص ۴۳۷)

از مطالعه این روایات و بررسی این تعویذات بدست می آید که ائمه علیهم السلام به تمسک به ادعیه و آیات قران و ثبت آن بر روی اوراق موافق بودند و آن را موجب تاثیر در جسم و جان و روان و عاقبت به خیری فرزندان می دیدند. گویی این عوده نویسی ها نیز جاری مجرای ادعیه ایست که اهل بیت علیهم السلام تعلیم می کرده اند.

در فصل قبل گفته شد دعایی که موجب رهایی انسان از شر شیطان و جلب زمینه‌های موفقیت و صلاح فرزندان باشد، یک عمل تربیتی است و مشمول تعریف تربیت می‌شود. پس این تعویذات و حرزنویسی‌ها نیز می‌توان از کارهای تربیتی والدین محسوب شود.

جمع بندی

دعا در نگرش دینی از برنامه‌های تربیتی است که سفارشات زیادی به آن وارد شده است. دعای تربیتی یعنی دعایی که موجب فراهم شدن زمینه صلاح و سداد فرزند و رفع موانع عاقبت به خیر شدن او و نیز فراهم شدن زمینه‌های شناختی، عاطفی و رفتاری فرزند است. همانطور که گذشته آیات متعددی از قران کریم که رفتارهای انبیاء و صالحان و مومنان را حکایت می‌کند، در صدد بیان مطلوبیت این عمل است و دعای تربیتی در حق ذریه و فرزندان را نمونه‌هایی از رفتارهای پسندیده کسانی معرفی می‌کند که برای مومنین از سوی خداوند به عنوان الگو معرفی شده‌اند.

جدا از این ادله حاکیه، ادله آمره‌ای هم در قران وجود دارد که به اطلاق آن تمسک بسته و مطلوبیت دعا در حق اولاد را استنباط کردیم. در بخش روایات، سه گونه از عناوین حدیثی مطرح شد که هر کدام شامل تعداد زیادی از اخبار و روایات بود و از باب نمونه برای هر کدام یکی از واضح ترین روایات مطرح شد.

حرز نویسی، عوذ نویسی، رقیه نویسی و ادعیه ای که به شکل مکتوب به گردن فرزندان آویخته می‌شود و مضامین قرانی دارد نیز مشمول استحباب دعا است و از



سفارشات اهل بیت علیهم السلام شمرده می‌شود که در قالب‌های مختلفی به
اصحاب خویش سفارش می‌کردند و خودشان هم به آن عمل می‌کردند.



تبیین فقهی نقش دعا
در تربیت فرزندان

فهرست منابع

قرآن کریم

۱. صحیفه سجادیه. امام زین العابدین علیه السلام ۱۴۱۸ دفتر نشر الهادی. قم . ایران
۲. ابن منظور. ابوالفضل - لسان العرب ۱۴۱۴ ه.ق دارالفکر بیروت. لبنان
۳. انصاری، محمدامین، مرتضی - المکاسب (للانصاری) ۱۴۱۵ ه.ق کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم. قم . تهران. ایران
۴. آملی، میرزا محمد تقی - مصباح الهدی فی شرح العروة الوثقی ۱۳۸۰ ه.ق تهران. ایران
۵. الوسی - تفسیر التحریر و التنویر ۱۴۲۰ ه.ق موسسه تاریخ العربی لبنان. بیروت
۶. حر عاملی. محدث - وسایل الشیعه ۱۴۰۹ ه.ق موسسه آل البيت قم. ایران
۷. حلی، سیدبن طاووس - مهج الدعوات و منهج العبادات ۱۴۱۱ ه.ق دار الذخائر قم. ایران
۸. راوندی قطب الدین سعیدبن عبدالله - الدعوات (للاوندی) / سلوة الحزین ۱۴۰۷ ه.ق موسسه آل البيت قم. ایران
۹. شیرازی، قدرت الله انصاری و پژوهشگران مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام - موسوعه احکام الأطفال و أدلتها
۱۰. عاملی، زین الدین، شهید ثانی - رسائل الشهيد الثاني (ط - الحديثه) ۱۴۲۱ ه.ق انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی قم. ایران
۱۱. غضائری، ابوالحسن احمدبن عبدالله - رجال ابن الغضائری ۴۵۰ ه.ق قم ایران



۱۲. قمی، محمد بن علی - شیخ صدوق - امالی (للسدوق) ۱۳۷۶ ه. ش کتابچی .
تهران ایران
۱۳. کاشانی، فیض، محمد محسن ابن شاه مرتضی - النخبه فی الحکمه العمليه و
الأحكام الشرعيه، ۱۴۰۸ ه. ق مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی
تهران. ایران
۱۴. کلینی. محمد بن یعقوب الکافی (طبع اسلامی) ۱۴۰۷ ه. ق دارکتب الاسلامیه
تهران. ایران
۱۵. لاری، سید محمد حسین - التعليقه على المكاسب (للاری) ۱۴۱۸ ه. ق موسسه
المعارف الاسلاميه. قم. ایران
۱۶. مجلسی. محمد باقر. بحار الانوار (ط بیروت) ۱۴۱۰ ه. ق موسسه الطبع و النشر .
بیروت . لبنان
۱۷. مصطفوی، حسن - التحقيق فی کلمات القرآن الکریم ۱۴۰۲ ه. ق مرکز الكتاب
للترجمه و النشر. تهران. ایران
۱۸. مکارم شیرازی - ناصر - تفسیر نمونه ۱۳۷۱ ه. ش دارالکتب الاسلامیه. قم. ایران
۱۹. موسوی، ابوالقاسم الخوئی - معجم رجال الحديث و تفصیل طبقات الرجال
۲۰. موسوی، الخمينی، سید روح الله (الامام الخمينی) - المكاسب المحرمه
(للخمينی) ۱۴۱۵ ه. ق موسسه تنظيم و نشر آثار امام خمینی ره قم ایران
۲۱. مولی صالح مازندارنی - شرح الکافی - الأصول و الروضه ۱۳۸۲ ه. ق المكتبه
الاسلاميه . تهران . ایران
۲۲. نجاشی، ابوالحسن، احمد بن علی - رجال النجاشی ۱۴۰۷ ه. ق جامعه
مدرسین. قم. ایران
۲۳. نجفی، - محمد حسن، صاحب جواهر - جواهر الکلام فی شرح شرائع
الإسلام ۱۴۲۱ ه. ق دائره المعارف فقه اسلامی. قم . ایران

۲۴. نوری محدث، میرزا محمد حسین - مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل
۱۴۰۸ ه. ق. موسسه آل البيت بيروت. لبنان



شماره چهار
پاییز و زمستان

۱۴۰۳

